

دکتر مارو ویلسون، پیامبران، جلسه ۱، مقدمه

مارو ویلسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر مارو ویلسون هستم در دوره آموزشی پیامبران کتاب مقدس. این جلسه اول، مقدمه است.

بسیار خوب، من آماده شروع هستم.

بباید کمی دعا کنیم و کلاس را شروع کنیم. پدر، از تو سپاسگزاریم که ما را از تعطیلات برگرداندی. از آنجایی که مطالعات خود را برای این ترم بهاری آغاز می‌کنیم، از تو می‌خواهیم که به ما توانایی بدهی تا با وجود تمام جذابیت‌های رقابتی زندگی اطرافمان، بهترین تلاش خود را بکنیم.

دعا می‌کنیم که با توجه به توانایی و زمانی که به ما داده‌ای، تمرکز و انگیزه لازم برای کار در هر یک از دوره‌هایمان را داشته باشیم. از تو به خاطر پیامبرانی که دنیایی از درک را برای ما می‌گشایند، سپاسگزاریم. واقعاً ضریان قلب خدا برای مسائل جامعه و افرادی که همیشه امید را حفظ کرده‌اند. دعا می‌کنیم که ما انسان‌های امیدواری باشیم و همچنین کسانی که به اطرافیان خود اهمیت می‌دهند.

در طول این ترم مرا در تدریس راهنمایی کنید. برای تک تک دانش‌آموزان دعا کنید. این یک تجربه عالی برای آشنایی با پیامبران و تغییر زندگی ما با شنیدن سخنان آنها خواهد بود. این را به نام خداوندان مسیح دعا کنید. آمین.

بسیار خوب، من قصد دارم با پخش یک برنامه درسی شروع کنم.

فقط چند نکته‌ی کوتاه در مورد برنامه‌ی درسی بیان می‌کنم. من به مطالعه‌ی کتاب مقدس علاقه دارم. اکنون بسیاری از دانشجویان در رشته‌های مطالعات کتاب مقدس و ادبیات الهیات تحصیل می‌کنند، اما متأسفانه به منابع اصلی مراجعه نمی‌کنند.

حداقل آنها به نوشته‌ها بر نمی‌گردند. آنها را آنطور که، در مورد ما، توسط خود پیامبران بیان شده‌اند، می‌شنوند. و بنابراین این تمرکز اصلی این دوره خواهد بود.

اگر با فروید، یونگ، آدلر یا هر کس دیگری مشکل نداشته‌اید، خودتان را به عنوان یک متخصص روانپزشکی، جا نزنید. اگر هرگز با ایلید و ادیسه، یا هرودوت، یا یوسفوس یا هر کس دیگری، همانطور که نوشته‌اند مشکل نداشته‌اید، نگویید که مورخ هستید، به جای اینکه منابع ثانویه‌ای را بخوانید که برخی از تأکیدات و مضامین را خلاصه می‌کنند. خوب، همیشه راحت‌تر است چیزی را پیدا کنید که این مطالب را از قبل هضم کند.

می‌خواهم آن را همانطور که نوشته شده بشنوید و با آن کلنجر بروید. آیا می‌خواهید همه آن را بفهمید؟ خبر خوب در مورد ادبیات کتاب مقدس این است که بهترین تفسیر در مورد کتاب مقدس، خود کتاب مقدس است.

و بنابراین، در حالی که بسیاری از ادبیات نبوی شاعرانه هستند، وقتی آن را می‌خوانید، به خصوص در توازی که اغلب در آن خواهید یافت، مصرع دوم که موازی مصرع اول است، ممکن است مترادف باشد. ممکن است آن را گسترش دهد. ممکن است در تضاد با آن باشد.

ممکن است به نوعی آن را توضیح دهد. بنابراین، از بسیاری جهات، اگرچه شعر گاهی اوقات می‌تواند دشوار باشد، با استفاده از استعاره، کنایه به چیزها، زبان رمزآلود، پیامبران ممکن هستند. آنها گنجینه بزرگ کشف نشده کتاب مقدس هستند.

بنابراین، تأکید ما بر این خواهد بود. بدیهی است که با وجود ۱۵ یا ۱۶ پیامبر در کتاب مقدس که کتاب نوشته‌اند یا نامشان به کتاب‌ها پیوست شده است، ما قادر نخواهیم بود همه آنها را پوشش دهیم. اما فکر می‌کنم بر شش پیامبر کوچک‌تر تمرکز خواهیم کرد که موضوعات بسیار مهمی برای ما دارند.

و همچنین، دوره را با چند هفته تأکید بر اشعیا به پایان برسانید، که یکی از مهم‌ترین و زیباترین آثار ادبی است که توجه هندل را هنگام نوشتن کتاب مسیح جلب کرد، که به طور گسترده از آن کتاب نقل قول می‌کند. و اشعیا، البته، بیشتر از هر پیامبر دیگری درباره مسیح صحبت می‌کند. بنابراین، او با نویسندگان عهد جدید که در آنجا نوشته‌اند، به عهد جدید متصل می‌شود.

، کار می‌کنم NIV من علاوه بر کتاب مقدس، تعدادی کتاب مقدس دیگر هم دارم که معمولاً در کلاس با جدید دو کتاب مقدس بسیار خوب هستند NIV و RSV. هم استفاده می‌کنم RSV هرچند گاهی اوقات از که می‌توانند در مطالعه دو آزمون کتاب مقدس انگلیسی ما مورد استفاده قرار گیرند. یکی که بر شش پیامبر کوچک تمرکز دارد و دیگری که بر نیمه اول اشعیا تمرکز دارد.

من در این دوره همچنین از یک اثر کلاسیک درباره پیامبران نوشته ابراهیم یوشع هشل استفاده می‌کنم. اگر تا به حال هشل را نخوانده‌اید، هشل منبع فوق‌العاده‌ای است. هشل اولین یهودی بود که از اروپا به آمریکا آمد و برای تدریس در یک مدرسه الهیات مسیحی دعوت شد، که این کار را در مدرسه الهیات یونیون، روبروی مدرسه الهیات یهودی، انجام داد، جایی که از سال ۱۹۴۵ تا زمان مرگش در ۲۳ دسامبر ۱۹۷۲ تدریس کرد.

هشل، برخلاف بسیاری از کتاب‌های مربوط به کتاب مقدس، طوری می‌نویسد که انگار خدا زنده است هیچ کالبدشکافی از خدا وجود ندارد. هشل معتقد بود که خدا نیروی بزرگی در جهان است که حضورش در همه جا وجود دارد.

با توجه به این موضوع، انسان در حیرت و شگفتی عمیقی فرو می‌رود. او رساله دکترای خود را در مورد پیامبران نوشت. این رساله، بازنگری آن اثر آلمانی است و حاوی مطالب فوق‌العاده‌ای است، از جمله اینکه اگر شما به عنوان یک مسیحی مفهومی از عدالت اجتماعی دارید، به این دلیل نیست که کلیسای اولیه تصمیم گرفت، خب، ما باید به فقرا و ناداریان جامعه فکر کنیم.

نه، به این دلیل است که پیامبران اسرائیل بر این موضوع تمرکز داشتند. و کلیسای اولیه، که کاملاً یهودی بود، صرفاً در سنتی قرار داشت که صدها و صدها سال وجود داشته است. بنابراین، هشل مطالب بسیار خوبی در مورد پیامبران دارد.

او تا حدودی شاعرانه می‌نویسد. در تمام مدتی که در گوردون بوده‌ام، سمیناری در مورد نوشته‌های آبراهام هشل برای دانشجویان سال آخر تدریس کرده‌ام. و علاوه بر کتاب مقدس، او بیش از هر نویسنده‌ی دیگری در شکل‌دهی به دیدگاه من در مورد خدا، اسرائیل، کتب مقدس و پیامبران نقش داشته است.

بنابراین، فکر می‌کنم از هشل قدردانی خواهید کرد. چند کتاب دیگر هم اضافه کرده‌ام. قرار است در مورد مسئله عدالت خدا در جهانی آشفته، مسئله تجلی الهی، که کتاب حبقوق برای ما مطرح می‌کند، بحث کنیم.

در ادبیات منظوم، کتاب مقدس، البته، کتاب ایوب سؤال بسیار مشابهی را در زمینه‌ای متفاوت مطرح می‌کند. ما همچنین به کتاب والتر کایزر در مورد مأموریت در عهد عتیق نگاهی خواهیم انداخت. اسرائیل یک «یا گویم»، نوری برای ملت‌ها است»

و وقتی به عنوان مسیحی به درک خود از مأموریت‌ها نگاه می‌کنیم، دوباره، کلیسای اولیه تصمیم نگرفت که شاید این ایده خوبی باشد که آنچه را که آموخته‌ایم با تمام جهان به اشتراک بگذاریم. خدا از قبل جهان را برای آن آماده می‌کرد، قطعاً با پدر ابراهیم. ابراهیم، من تو را یک قوم بزرگ خواهم کرد، من تو را یک ملت بزرگ خواهم ساخت.

و همه ملت‌های روی زمین از طریق تو برکت خواهند یافت. در واقع، ابراهیم یک پیامبر بود، باور کنید یا نه. و اگرچه ما معمولاً ابراهیم را به عنوان یک پیامبر نمی‌خوانیم، زیرا او بخشی از دوره کلاسیک پیامبران نیست، که تقریباً از قرن هشتم تا قرن پنجم میلادی ادامه داشت.

اما ابراهیم این واقعیت را پیش‌بینی کرد که رابطه‌ی عهدی که اسرائیل با خدا از آن برخوردار بود، قرار نبود چیز خاصی باشد. قرار بود یک نیروی محرکه‌ی جهانی داشته باشد. و تمام جهان قرار بود خدای اسرائیل را بشناسند. به هر حال، به همین دلیل است که حتی امروز، همانطور که من صحبت می‌کنم، جامعه‌ی یهودی از گروه‌هایی مانند مترجمان کتاب مقدس ویکلیف که کلام خدا را گرفته‌اند و آن را به صدها و صدها زبان و گویش در سراسر جهان ترجمه کرده‌اند، بسیار سپاسگزار است.

آنها پیام توحید اخلاقی، پیام انبیا، مزامیر و تورات را به جهانیان رسانده‌اند. جامعه یهودی نمی‌توانست این کار را انجام دهد. نیروی انسانی لازم برای انجام این کار را ندارد.

اما، کلیسا، به یک معنا، به آن مأموریت نورانی بودن برای غیریهودیان، که مأموریت اسرائیل بود، وارد شده است. و ما، در کلیسا، به عنوان بخشی از خانواده‌ی گسترش‌یافته‌ی ابراهیمی وارد این عرصه می‌شویم. بعداً بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

بسیار خوب، صحبت در مورد کتاب‌های درسی کافی است. بنابراین، در کلاس، من چند سخنرانی مقدماتی در مورد پیامبران خواهم داشت. و سپس، مطالعه خود را در مورد شش پیامبر کوچک‌تر آغاز خواهیم کرد که در آن، در کلاس، در مورد مضامین اصلی در پیامبران صحبت خواهیم کرد و نظرات تفسیری، کلامی، باستان‌شناسی و فرهنگی در مورد متن ارائه خواهیم داد.

در راستای آمادگی برای ورود به بحث پیامبران، چند سخنرانی نیز در مورد هرمنوتیک ارائه خواهیم داد. هرمنوتیک به زبان ساده یعنی چگونه پیامبران را تفسیر کنیم. چه اصولی در تفسیر این نوع ژانر ادبی، آن را از مثلاً روایت تاریخی سراسر، یا قانون، یا تمثیل‌ها متمایز می‌کند.

ژانرهای ادبی بسیار متنوعی در کتاب مقدس وجود دارد. و به نظر من اصولی وجود دارد که باید هنگام پرداختن به ادبیات نبوی در نظر داشته باشیم. می‌توانید بقیه‌ی مطالب آموزشی را مرور کنید.

من منابع مطالعاتی را تنظیم کرده‌ام. اگر قرار است به طور متناوب منابع مطالعاتی را تنظیم کنید تا شب قبل از امتحان اول مجبور به شب بیداری نشوید، اگر آنها را همانطور که من با توجه به زمان برگزاری کلاس تنظیم کرده‌ام، دنبال کنید، به نفع خودتان است و این به طور نزدیکی با جایی که من در کلاس در سخنرانی‌هایم خواهم بود، مرتبط خواهد بود و همانطور که می‌گویند، شما را در خواندن مطالب هماهنگ نگه می‌دارد - سوالات شما چیست؟

بله. می‌توانید از آن مطالب استفاده کنید. بدیهی است که ۲۴ ژانویه امروز است.

بنابراین، اینها مطالبی هستند که سعی می‌کنم در چند روز آینده بخوانم، و شما به جایی که باید باشید خواهید رسید. یک فصل مقدماتی در مورد پیامبران از هشل وجود دارد. نیوسام کتاب دیگری است که برخی از پیشینه‌ها و برخی از مضامین بزرگ پیامبران را در اختیار ما قرار می‌دهد.

و فکر می‌کنم نیوسام را نیز مفید خواهید یافت. حال، اگرچه می‌توانم یک ساعت کامل را صرف صحبت با شما در مورد سوءاستفاده از پیامبران کنم، می‌خواهم کمی در مورد دیدگاه‌های رایج در مورد پیامبران با شما صحبت کنم، درست از زمانی که این دوره را تدریس می‌کنم، زیرا در اطراف ما کلمه پیامبر، نبوت و برخی برداشت‌های بسیار تحریف‌شده از این کلمه امروزه وجود دارد. هر بار که به والمارت یا کتابفروشی، گوشه‌ای که قفسه‌ای از کتاب‌های جیبی در آن وجود دارد، می‌روید، همیشه بخش دین و نزدیک به آن، بخش طالع‌بینی وجود دارد.

مردم همیشه به پیش‌بینی علاقه‌مند هستند. خیلی ساده، لری لیمین معمولی این ایده را دارد که پیامبران کسانی هستند که با لباس‌های سفید در گوشه خیابان می‌ایستند و عذاب الهی، آخرالزمان و آینده را پیش‌بینی می‌کنند. اساساً این کاری است که آنها انجام می‌دادند.

و چه چیزی این نوع طرز فکر را ارضا می‌کند؟ خب، به شما می‌گویم، به فروشگاه شاو سر بزیند. در اینجا تعدادی از آنها را که طی چندین سال در اینجا در ساحل شمالی جمع‌آوری کرده‌ام، آورده‌ام. این چیزی است که مردم در کلیساهای ما، حتی دوست خوبان بیلی گراهام که در این دانشگاه سخنرانی کرده است، اینجا قرار می‌دهند.

آرماگدون بعدی است. مادر همه جنگ‌ها فقط چند هفته دیگر است. رهبران کلیسا هشدار می‌دهند.

رهبران کلیسا هشدار می‌دهند. در اینجا پیشگویی‌های بیلی گراهام در مورد روزهای آخر آمده است. آیا شما و عزیزانتان زنده خواهید ماند؟ حالا من قصد ندارم این را باز کنم.

این فقط برای این است که کمی شما را سر ذوق بیاورم. اینجا، وقتی سال ۲۰۰۰ داشت وارد هزاره دیگری می‌شد، نیوزویک اینجاست. در همین راستا، این چاق‌ترین نیوزویکی است که در سال‌های بسیار بسیار زیاد داشته‌ام.

آنچه کتاب مقدس در مورد پایان جهان می‌گوید. اما در اینجا کلمه نبوت و پایان جهان آمده است. بنابراین یک بار دیگر، ما نبوت را معادل می‌دانیم.

بدیهی است که به آینده مربوط می‌شود. این دوست قدیمی ما عرفات است که اکنون با سازنده‌اش، هر کسی که باشد، است. این مردی است که در کما است، آریل شارون، نخست‌وزیر سابق اسرائیل.

فال‌های کتاب مقدس هشدار می‌دهند. آرماگدون از قبل آغاز شده است. آرماگدون؟ بله، این همان مکانی است که در مکاشفه ۱۶ به آن اشاره شده است.

نبرد نهایی و آخرین. جنگ اوج تاریخ. و اینجا می‌توانید ببینید که همه چیز به خاورمیانه گره خورده است.

بنابراین، بهتر است کتاب مقدس‌هایمان را بیرون بیاوریم زیرا خاورمیانه یعنی اسرائیل. خاورمیانه، جهنم، نبرد نهایی هرالده علیه نیروهای شر. من یک مطلب دیگر هم اینجا دارم.

اینجا مطرحش نمی‌کنم، اما در مورد همه این کرکس‌هایی صحبت می‌کند که در حال حاضر در دره اسدرالون، دره مجدو یا دره جزریل جمع شده‌اند.

اونای برای چی اون بالا هستن؟ فکر کنم برای تمیز کردن همه اجساد. این... از پرنده‌شناس محلی تون پرسید، ضمناً می‌گه که این فقط یه شایعه‌ست. پیشگویی‌های کتاب مقدس

دولت نمی‌خواهد شما بدانید. دولت نمی‌خواهد شما بدانید. باز هم، من همه این چیزها را در ساحل شمالی می‌خرم.

دجال زنده است و در ایالات متحده زندگی می‌کند. شش نشانه که ثابت می‌کند دنیا به پایان خود نزدیک می‌شود. نبرد آرمادون از کجا شروع می‌شود و چگونه پایان می‌یابد.

اوه، انواع و اقسام چیزها وجود دارد. این یک طومار ۲۰۰۰ ساله است که در اورشلیم پیدا شده. پیشگویی‌های مخفی عیسی مسیح.

طوفان‌های فاجعه‌بار تابستان امسال ایالات متحده را در بر خواهد گرفت. زلزله‌ها باعث سیل و مجازات شیران خواهند شد. او در سال ۱۹۹۹ برای نبرد با شیطان به زمین باز خواهد گشت.

یه کم دیر شد برای این مورد. هشدار ۱۲. محقق برتر کتاب مقدس در جهان

شما باید این را بدانید. ۱۲. محقق برتر کتاب مقدس در جهان همگی موافقند. همه

پایان دنیا نزدیک است. در اینجا عکس‌های ۱۲ محقق کتاب مقدس را مشاهده می‌کنید. من تا به حال اسم هیچ‌کدام از آنها را نشنیده‌ام.

اما آنها در صدر جهان هستند. رهبران هر دین بزرگی به نشانه‌های آخرالزمان قریب‌الوقوع اشاره می‌کنند. پیشگویی‌ها با ظهور، ظهور آخرالزمان یا پاروسیا سروکار دارند.

مکاشفه. این مربوط به چند سال پیش است. پیشگویی، ۲۰۰۳-۲۰۰۴.

و حتی در کلمه پیشگویی، ادگار کیسی را هم شامل می‌شود. چه کسی یک پیشگو است؟ بسیاری از مردم نوستراداموس، این شخص و تعدادی دیگر را در کل این ژانر پیشگویی قرار می‌دهند.

نوستراداموس بدترین طوفان‌های تاریخ ایالات متحده را پیش‌بینی می‌کند. همه به کار پیش‌بینی علاقه‌مند هستند. پیشگویان ۵۰۰ ساله هشدار داده‌اند که کولاک‌ها و سیل‌های کشنده در ۸ هفته آینده بیشتر کشور را فرا خواهد گرفت.

تقریباً باورکردنی است. می‌توانی چند مورد دیگر را هم در نظر بگیری؟ پیشگویی‌های جدید کتاب مقدس. جدید! نه روش برای اینکه هر مردی بگوید، بله، بله.

پسر، این یک مسئله‌ی بزرگ است. این پیشگویی‌های جدید کتاب مقدس چیستند؟ زمین به یک بهشت بزرگ گرمسیری و آرام تبدیل خواهد شد. این یک محقق است.

حالا، حتی یک عکس از عیسی هم روی این یکی هست. می‌توانید این را بخريد. اینجا فروشگاه شواو است.

عهد عتیق و عهد جدید. تکان دهنده! پیشگویی‌های کتاب مقدس به حقیقت می‌پیوندند. ارمیا، اشعیا

همه چیز آنجاست. هفت سال پیشگویی‌های تکان‌دهنده‌ی کتاب مقدس. بچه‌های شما هنوز به دنیا نیامده بودند، اما این یکی، ۸۸ دلیل برای اینکه چه اتفاقی افتاد

من در اوایل پاییز ۱۹۸۸ در گوردون این دوره را تدریس می‌کردم، زمانی که شخص خاصی پیش‌بینی کرده بود که خداوند در روش هشانا ۱۹۸۸، که اوایل پاییز است، باز خواهد گشت. ۸۸ دلیل برای اینکه چرا عروج در آن زمان اتفاق خواهد افتاد، و این شخص، وقتی که هرگز اتفاق نیفتاد، این مقاله را برای مجله تحقیقات مسیحی با عنوان ۸۸ دلیل برای اینکه چه چیزی اشتباه پیش رفت، نوشت تا از شخص دیگری که در سال فکر می‌کرد این پایان جهان است، تعریف کند. من در واقع دانشجویی در این کلاس داشتم که پدرش ۱۹۸۸، یک کشیش بسیار برجسته در شهر نیویورک بود و او پسرش را به خانه فرا می‌خواند زیرا کلیسای خاص او که با یک ارتباط فرقه‌ای کامل شبکه‌بندی شده بود، گفت که همین است و ما می‌خواهیم شما به عنوان یک خانواده به خانه برگردید.

بنابراین، او از گوردون کناره‌گیری کرد و به کلیسایش بازگشت. بدیهی است که پس از گذشت چند هفته تمام این گمانه‌زنی‌های نبوی، چون واقعاً همین‌طور بود، در رابطه با تاریخ مشخصی که برای آن تعیین شده بود، هیچ چیز از آب درآمد. واقعاً برای این دانشجو سخت بود که برگردد و با همسالانش در این دانشگاه روبرو شود؛ خیلی غم‌انگیز بود. او بقیه ترم را کناره‌گیری کرد. حالا، ببینید، قرن‌هاست که افرادی هستند که تاریخ‌ها را تعیین می‌کنند.

مردم همیشه سعی کرده‌اند مسائل را کشف کنند. من در سال‌های اولیه ایمانم در یک فرقه کوچک بزرگ شدم که از اینجا در نیوانگلند شروع شد. نام آن فرقه مسیحی ظهور بود.

خیلی کوچک بود، احتمالاً فقط کمتر از ۵۰۰۰ نفر در فرقه امروزی. اما اتفاقاً کشاورزی از پیتسفیلد، ماساچوست، به نام ویلیام میلر، بود که گفت خداوند قرار است بازگردد، تاریخ ۱۸۴۳ را تعیین کرد و بازگشت مسیح، یعنی ظهور، را در سراسر نیوانگلند موعظه کرد. می‌توانید در مورد آن رویداد بخوانید می‌توانید در گوگل جستجو کنید، مطالب زیادی در وب وجود دارد. اورت و برز کتابی با عنوان «جستجوی آرمان‌شهر» نوشته است که در آن درباره آنچه اتفاق افتاده صحبت می‌کند.

آنها یک ساختمان بزرگ در مرکز شهر بوستون خریداری کردند که بیش از ۲۰۰۰ نفر به آنجا آمدند. برخی، با سبدهای بزرگ آمده بودند، به این امید که به عنوان یک خانواده به اوج آسمان بروند. روایتی در سالم ماساچوست، در گورستان گالووز هیل وجود دارد که در آن مردی درست کنار قبر عزیزش از درختی بالا رفت، به این امید که در زمان رستاخیز، فرصتی برای پیشرفت داشته باشد.

در واقع، این داستان توضیح می‌دهد که چگونه آتش‌نشانی سالم مجبور شد از نردبان بالا برود و او را از درخت پایین بیاورد، زیرا او نمی‌خواست بیاید. مردم شاد در خیابان‌های بوستون شیپور می‌نواختند و شیپور بزرگ، گذشت E خداوند را به صدا در می‌آوردند و البته، آن شب در بوستون بدون هیچ رویدادی، رویداد خوب، ویلیام میلر گفت، اوه، من اشتباه کردم چون نتوانستم آن را طبق گاهشماری عبری بفهمم.

بنابراین، ما دوباره این کار را انجام دادیم و حدود یک سال بعد، در سال ۱۸۴۴، تاریخ دیگری را مطرح کردیم و البته، آن هم شکست خورد. حال، از این تعیین تاریخ چه نتیجه‌ای حاصل شد و اگر خود عیسی حتی تاریخ بازگشت خود را آنطور که انجیل‌ها می‌گویند، نمی‌داند، به نظر من چقدر سخت‌تر است که

انسان‌های فانی سعی کنند آن تاریخ را تعیین کنند. اما از دل این حرکت، تأکیدی بر آمدن دوباره مسیح بیرون آمد.

تعدادی مکتب از دل این [مسیحیت] بیرون آمدند و ویلیام میلر تعدادی جنبش مختلف داشت که از این تأکید بر آمدن دوباره مسیح جدا شدند، از جمله ادونتیست‌های روز هفتم، مسیحیان ادونت و تعدادی دیگر. حال، کتاب مقدس از بازگشت خداوند صحبت می‌کند. اما چیزی که باید در مورد آن فکر کنید این است که چرا نام پسر را گرگوری گذاشته‌ایم.

زیرا کلمه گرگوری از یک کلمه یونانی عهد جدید گرفته شده است که به معنای هوشیار بودن، آماده بودن است. و به نظر من این تأکیدی است که خداوند از زمان عهد جدید داشته است، و تا به امروز، همانطور که ما به دنبال تفکر کتاب مقدسی هستیم، گمانه زنی‌های بی اساس و جزم اندیشی در مورد این نوع چیزها، احمقانه است. تأکید این است که عهد جدید می‌خواهد از این واقعیت صحبت کند که قریب الوقوع است. یعنی ممکن است در هر زمانی اتفاق بیفتد.

چه اتفاقی ممکن است بیفتد؟ اگر الهیات سیستماتیک را در نظر بگیریم، الهیات چیست، به آن فرجام‌شناسی می‌گویند و این فرجام‌شناسی است. حدس می‌زنم این موضوع به دلایلی متوقف شده و دیگر ادامه نخواهد به معنای نهایی یا آخرین گرفته شده است و الهیات معمولاً eschatos یافت. فرجام‌شناسی از کلمه یونانی مطالعه چیزی است و بنابراین در الهیات مسیحی، وقایع پیرامون بازگشت مسیح، که شامل داوری‌های رستاخیز مرتبط با آمدن دوم مسیح و سلطنت و حکومت او می‌شود. برخی آن سلطنت و حکومت را به معنای واقعی کلمه بر روی این زمین و گرد هم آمدن مجدد اسرائیل به سرزمین اجدادی‌اش را به عنوان منادی، به عنوان پیش درآمد و به نوعی مقدمه‌ای برای آمدن دوم مسیح می‌دانند.

دیگران در نحوه درک این موضوع تفاوت‌هایی دارند. چیزی که می‌خواهم تأکید کنم این واقعیت است که وقتی کلمه ادبیات نبوی را می‌شنویم، و در این کلاس مقدماتی امروز، می‌خواهم کلمه نبوی یا پیشگویی را ذکر کنم. آنچه آینده‌نگر است، تنها بخش بسیار کوچکی از انبیای عبری را شامل می‌شود. توجه آنها بسیار بیشتر بر اینجا و اکنون متمرکز بود.

بگذارید اینطور بگویم: کمتر از ۱۰٪ از آنچه در کتاب مقدس پیامبران می‌خوانید، مربوط به وقایع آینده است. بیشتر آنچه پیامبران می‌گفتند، مربوط به زمان حال بود. آنها مصلحان اجتماعی زمان خود بودند.

پیامبران، همانطور که هشل در فصل مقدماتی که خواهید خواند، که برای مطالعه‌ی امروز است، بیان می‌کند، پیامبران ما را به محله‌های فقیرنشین می‌برند و چنان جار و جنجال به پا می‌کنند که گویی تمام دنیا یک محله‌ی فقیرنشین است. آنچه برای ما یک تخلف است، آنچه برای ما یک محاسبه‌ی اشتباه در کسب و کار است. برای پیامبران، این یک فاجعه‌ی تمام‌عیار بود.

چگونه عدالت به راحتی می‌تواند منحرف شود و به بی‌عدالتی تبدیل شود. چگونه شفقت چیزی است که پیامبران اغلب آن را با انجام کار درست همراه می‌کنند، که آن نیز با شفقت مرتبط است، یعنی داشتن اشتیاق سوزان برای مراقبت از دیگران. چیزی که کتاب مقدس عبری آن را صدقه می‌نامد.

زدکا یا زدکا، آنطور که توسط جامعه یهودی مدرن شده است، به زندگی درست، عادلانه و منصفانه و انجام کار درست مربوط می‌شود. و پیامبران، نگران اطرافیان خود بودند. فقرا، بیوه زنان، بیگانگان، کسانی که از حق رأی محروم شده بودند. بنابراین کاری که من می‌خواهم شما در این دوره انجام دهید این است که در حالی که همه این چیزهای هیجان‌انگیز دیگر در مورد نبوت، هنگام خروج از سوپرمارکت‌ها، توجه مردم را به خود جلب می‌کند، می‌خواهم خودتان قضاوت کنید که پیامبران چه گفته‌اند.

نه به صورت قیاسی، جایی که کسی به شما بگوید این افراد این وقایع را در آمریکای امروز یا خاورمیانه امروز پیش‌بینی می‌کنند. من نمی‌گویم که کتاب مقدس هیچ چیزی برای گفتن در مورد دنیای مدرن یا حتی خاورمیانه امروز ندارد. اما چیزی که می‌گویم این است که از آنجا که پیشگویی توسط مردم بسیار مورد سوءاستفاده قرار گرفته است، اعتبار کتاب مقدس توسط کسانی که خارج از خانواده ایمان هستند، آسیب دیده است.

چون می‌گویند، خب، اگر در پیش‌بینی این دجال اشتباه کرده باشید، یا من دوستی دارم که گوینده‌ی رادیوی ملی است، و او دوست دارد گاهی اوقات در این سال‌های آخر عمرش بگوید، بعد از اینکه پنجمین کاندیدای من برای دجال را دفن کردند، تصمیم گرفتم که بهتر است طبل خود را عوض کنم. و وقتی او جوان بود می‌گفت این شخص، این ظالم، این شخصی که در صحنه‌ی سیاسی است، بدیهی است که کاندیدای دجال بودن است. خب، شما فقط می‌توانید تعداد محدودی را دفن کنید.

اگر انتظار دارید مردم وقتی انجیل را ارائه می‌دهید، آن را باور کنند، چون شما می‌گویید که حقیقت دارد، آنگاه آنها خواهند گفت: خب، کشیش، تو در این مورد اشتباه کردی. آن مرد دجال نبود.

و شما در این مورد اشتباه کردید. شما گفتید که قرار است روش هشانا ۱۹۸۸ باشد، و اینطور نشد. حالا چطور از من انتظار دارید که حقیقت کلام خدا را باور کنم؟ بنابراین باید خیلی مراقب باشیم.

باید مطالب بیشتری از منبرهای آمریکا، به ویژه از طریق موعظه‌گران تلویزیونی و دیگران که این مطالب را برای تأثیرگذاری بر مردم مطرح می‌کنند، منتشر شود. باید مطالب بیشتری از این قبیل گفته شود، شاید ممکن است، اما من اغلب متوجه کمبود این نوع کلمات می‌شوم. چیزی که کتاب مقدس از ما نمی‌خواهد این است که آنقدر بر آینده متمرکز شویم که از نجات حال و انجام آنچه خدا از ما می‌خواهد، باز بمانیم.

این موضوع ما را به یاد یک مشکل بسیار مهم در عهد جدید می‌اندازد. یکی از کتاب‌های کوچک ما در عهد جدید، دوم تسالونیکیان نام دارد. و دوم تسالونیکیان باید با یک مشکل دست و پنجه نرم می‌کرد.

یکی از مشکلات اصلی این بود که رساله اول تسالونیکیان احتمالاً یکی از اولین رساله‌های نوشته شده در عهد جدید بود. شما اغلب بخش‌هایی از آن را در مراسم تشییع جنازه می‌شنوید، اینطور نیست؟ زیرا به امید قطعی ظهور دوباره مسیح می‌پردازد. پولس می‌خواست این موضوع را برای مخاطبان یونانی که به رستخیز مردگان اعتقاد نداشتند، کاملاً روشن کند.

یونانیان به جاودانگی روح اعتقاد داشتند. بنابراین، پولس در نامه‌ای به مخاطبان یونانی، می‌خواست این موضوع را کاملاً روشن کند. خداوند از آسمان نازل خواهد شد و غیره.

ظهور دوباره‌ای در راه خواهد بود. اما از آنجایی که مردم شیفته‌ی آن بودند، پولس مجبور شد نامه‌ی دوم به آنها بنویسد. نامه‌ی دوم می‌گوید مردم عقب نشسته بودند و کار نمی‌کردند.

تنبلی. چون آنها خیلی روی این موضوع تمرکز داشتند که هر لحظه ممکن است اتفاق بیفتد، چرا زحمت کار کردن را به خودشان بدهند؟ و آنها غذای دیگران را می‌خوردند. یک نفر داشت ناهار شما را می‌خورد، به معنای واقعی کلمه.

و پولس می گوید اگر کسی نباید کار کند، نباید غذا هم بخورد. بنابراین اساساً، پولس در بخشی از نامه دوم خود به تسالونیکیان به آنها نصیحت می کند: با چشمانی دوخته به آسمان، عقب ننشینید. به کار خود برسید.

چون جایی برای داشتن چنین طرز فکر آسمانی وجود ندارد، شما زمینی نیستید. بنابراین، پولس در اواسط قرن اول اصلاحیه‌ای به آن کلیسای اولیه آورد. و من فکر می‌کنم ما باید این را در نظر بگیریم زیرا ما این چرخه‌ها را در کلیسای طی می‌کنیم.

چرخه‌های پشت سر گذاشته شده که همه در حال صحبت کردن هستند. اتفاقاً وقتی برای اولین بار در سال ۱۹۷۱ به کالج گوردون آمدم، برای بازدید به یک کلیسای محلی رفتم و قبل از شروع مراسم، تمام کلیسا بیرون بود و به نظر می‌رسید که مشغول است. آیا کتاب «سیاره بزرگ زمین در حال مرگ» نوشته هال لیندسی را خوانده‌اید؟

آن کتاب کوچک میلیون‌ها و میلیون‌ها و میلیون‌ها نسخه فروخت، و فکر می‌کنم پرفروش‌ترین کتاب مذهبی دهه ۱۹۷۰ بود، زمانی که همه گرد و غبارها فرو نشست. و آن کتاب تمرکز زیادی روی آخرالزمان داشت امروزه، افراد زیادی هستند که می‌گویند، هال لیندسی کیست؟ «سیاره بزرگ زمین در حال مرگ» چیست؟ فکر می‌کنم هنوز روی آن زندگی می‌کنم.

اما ما در کلیسا از این چرخه‌ها عبور می‌کنیم. یک بار از من دعوت شد تا در یکی از این جوامع آخرالزمانی که در شمال مینه‌سوتا تأسیس شده بودند، سخنرانی کنم. در آنجا مردم غذا ذخیره می‌کردند و برای آماده شدن برای پایان به بیابان می‌رفتند. من حدود ۲۰ سال بعد به آنجا آمدم زیرا برخی از مردم از انتظار برای پایان خسته شده بودند و آنجا را ترک کرده بودند و فقط چند نفر از افراد دلسوز باقی مانده بودند که سعی می‌کردند آن را با دیدگاهی متعادل‌تر از جامعه مسیحی نسبت به دلیل اصلی آمدن مردم، بازسازی کنند.

بنابراین، در نسل شما، این را خواهید دید. تاریخ در این زمینه خاص تمایل به تکرار دارد. چیزی که من می‌خواهم پیشنهاد کنم این است که اجازه دهید پیامبران از جانب خودشان صحبت کنند.

این ایده را که پیشگویی با آینده برابر دانسته می‌شود، با خود نیاورید. از نظر ریشه‌شناسی، در انگلیسی، کلمه pro به معنای صحبت کردن است و femi. می‌آید phemi و یک فعل pro از دو ریشه یونانی Prophet. به معنای به جای یا به جای... است pronoun همانطور که در کلمه.

ضمیر به جای اسم یا در جای آن قرار می‌گیرد. بنابراین، حداقل از نظر ریشه‌شناسی، کلمه پیامبر به سادگی به معنای کسی است که از طرف شخص دیگری صحبت می‌کند. پیامی می‌دهد، سخنگوی شخص دیگری است.

این دقیقاً همان چیزی است که پشت ایده پیامبر نهفته است. با این حال، اکنون ما آن را با نوعی مفهوم بسیار آینده‌نگرانه بارگذاری کرده‌ایم، و پیامبران آنجا بودند تا مردم را در مورد رفتار نامناسب با دیگران هشدار دهند. پیامبران آنجا بودند تا منادیان عدالت اخلاقی شوند، سوءاستفاده از فقرا، سوءاستفاده از بردگان را اصلاح کنند، علیه انحصار زمین، مستی، دروغگوها، ستمگران به بیوه‌ها، افرادی که خانه‌های خود را همانطور که عاموس صحبت می‌کرد، فرش می‌کردند، حتی آنها را می‌ساختند، آنها را با عاج‌های زیبا تزئین می‌کردند در حالی که فقرا نادیده گرفته می‌شدند.

این واقعاً برای شنیدن صدای قلب پیامبران است. آنها مصلحان زمان خود بودند، از نظر اخلاقی، معنوی و عدالت اجتماعی. در این بحبوحه، خداوند به آنها امید نیز داد.

به آثار معنوی سیاه‌پوستان نگاه کنید. بسیاری از آنها در اصل در بحبوحه برده‌داری، در بحبوحه دوران بسیار سخت و طاقت‌فرسا نوشته شده‌اند، اما با این حال، آن آهنگ‌هایی که امروز با شنیدنشان به ما الهام می‌بخشند، از امید سخن می‌گویند. آنها از آینده سخن می‌گویند.

آنها از آمدن جهانی جدید، از اعتماد به خدا حتی در بحبوحه مشکلات و فجایع و بارهایی که با آن روبرو بودند، صحبت می‌کنند. بنابراین، پیامبران بسیار نگران حال حاضر هستند و گاهی اوقات درباره آینده نزدیک صحبت می‌کنند. بیایید دوستان ارمیا را در نظر بگیریم.

او از میان تمام پیامبران، زندگینامه‌ای‌ترین است و ۴۰ سال آخر پادشاهی جنوبی را پیشگویی کرده است. او به مردم هشدار داد که اگر از بت‌های خود خلاص نشوند، زیرا او گفته است که به تعداد شهرهای شما، ای یهودا، بت‌های شما وجود دارد. ۵۸۶ در راه است.

بابل در افق است. نینوا در سُرف سقوط است، و نینوا در سال ۶۱۲ سقوط کرد. و بابل مشتاق است که بیاید و شما را با خود ببرد.

و در واقع، آن سخنان به حقیقت پیوستند. و بدین ترتیب ارمیا درباره شهر ویران شده اورشلیم و معبد ویران شده‌ای صحبت کرد که مردم به آن اعتماد داشتند. آنها فکر نمی‌کردند که معبد فرو بریزد.

در واقع، آنها طبق کتاب ارمیا، این چیز کوچک را مدام تکرار می‌کردند. این معبد است، معبد، معبد خداوند. و آنها آن را تلاوت می‌کردند.

منظورم این است که ما بهترین خدا را داریم. او اجازه نمی‌دهد خانه‌اش، کاخش، مورد خشونت قرار گیرد. و ارمیا مجبور بود آنها را از بی‌خیالی برحذر دارد.

اما خداوند پیامبر دیگری را برانگیخت تا به مدت ۷۰ سال در بابل از سال ۵۸۶ تا ۵۱۶ به تبعیدیان خدمت کند. و البته آن حزقیال بود که در میان پیامبران فعالیت می‌کرد. اما حتی در آنجا، همانطور که حزقیال به پیامبران خدمت می‌کرد، سخنان امیدبخش نیز می‌گفت.

او از تجدید حیات صحبت می‌کند. او از احیا سخن می‌گوید. همه ما درباره حزقیال ۳۷ شنیده‌ایم، دره‌ای از استخوان‌های خشک که زنده خواهند شد.

خدا قرار نبود آنها را در گورستان بابل رها کند. بلکه اسرائیل احیا می‌شد و آنها به زندگی بازمی‌گشتند. و این چیزی بیش از زندگی فیزیکی بود.

خدا قلبی تازه در درونشان قرار می‌داد و قلب سنگی را از آنها می‌گرفت و قلبی گوشتی به آنها می‌داد. من باور ندارم که تمام معنا و عمق آن پیشگویی حزقیال هنوز تجربه شده باشد. اما حزقیال از امید سخن گفت.

حتی در فصل‌های آخر کتابش، اگرچه در نحوه تفسیر نه فصل آخر کتاب حزقیال اختلاف نظر زیادی وجود دارد، اما او از گرد هم آمدن دوباره در سرزمین معبدی جدید، از شکلی جدید از پرستش صحبت می‌کند که در آن خود خدا به شیوه‌های جدید و چشمگیری در میان قومش حضور دارد. و بنابراین تنها دو کلمه وجود دارد که کتاب حزقیال را به پایان می‌رساند. بد-هه-واو-هه-شما، یعنی خداوند آنجاست.

خداوند در میان قوم خود حضور دارد. بنابراین، پیامبران تنبیه می‌کردند، قضاوت می‌کردند، از نسل خود انتقاد می‌کردند، اما آنها تشویق و امید می‌دادند. آیا شما عیسی را پیامبر می‌دانید؟ با آنچه می‌دانید شروع کنید.

بله؟ عیسی به عنوان یک پادشاه، یک کاهن و یک پیامبر توصیف شده است. با نگاه به او به عنوان یک پیامبر، یکی از علمای یهودی ما، رئیس کالج عبری، چند سال پیش به دانشگاه آمد و سخنرانی کرد. او گفت: «چه چیزی در مورد عیسی وجود دارد که شما را به یاد پیامبران اسرائیل می‌اندازد؟» او یک محقق یهودی است که به کالج گوردون می‌آید و از دانشجویان می‌پرسد که در مورد آن چه چیزی وجود دارد. خوب، عیسی مردم را به توبه دعوت کرد.

پیامبران اسرائیل نیز همینطور. عیسی نگران فساد اخلاقی و تباهی معنوی بود. او علیه چیزهایی صحبت کرد که از دیدن آنها در معبد ناامید شده بود، زیرا مردم بیشتر بر امور تجاری تمرکز داشتند تا امور معنوی.

و بنابراین، او ممکن است میز صرافان را واژگون کند زیرا می‌خواست قلب مردم را درست کند. این کاری است که پیامبران انجام دادند. آنها سرزنش کردند و سخنانشان گزنده بود.

آنها اصلاح کردند. اعلام کردند. پیامبر کیست؟ پیامبر سخنگوی خداست.

گاهی خدا او را تنبیه می‌کرد و گاهی به او امید می‌داد و او را به آینده دلگرم می‌کرد. همانطور که در تلمود آمده است، اگر مجبورید کودکی را با دست چپ تنبیه کنید، همیشه باید او را با دست راست به او نزدیک‌تر کنید. و آن کلامی که خاخام‌ها قرن‌ها پس از عیسی مطرح کردند، واقعاً همان چیزی است که در پیامبران می‌بینید.

بعضی از بخش‌های ادبیات نبوی، وحی‌های داوری هستند. اما بعد خدا برمی‌گردد و به سرعت قوم خود را در آغوش می‌گیرد، می‌گوید من شما را می‌بخشم، به شما امید می‌دهم، به شما مسیح وعده می‌دهم و غیره و غیره. آیا در مورد هر چیزی که تا الان گفته‌ام سؤال دارید؟ بگذارید پیامبران را قرار دهم. نمی‌دانم چرا این چیز امروز خاموش است، اما بگذارید استفاده کنم. به گج قدیمی‌ام برمی‌گردم.

از آنجایی که وسایل الکترونیکی کار نمی‌کنند. به یاد داشته باشید که ما از کلمه تنخ برای کتاب مقدسی که در این دوره مطالعه می‌کنیم استفاده کردیم. این یک مخفف است.

مخفف تورات است. پنج کتاب موسی، چیزی که ما آن را اسفار پنجگانه می‌نامیم. در این دوره، ما به T حرف مخفف همان نوییم است، علاقه‌مندیم N.

نشان دهنده کتوویم یا نوشته‌ها است. و البته ترتیب کتاب‌ها در K نوییم همان پیامبران هستند. حرف آخر کتاب مقدس عبری کمی متفاوت است.

بنابراین ما درست در مرکز تقسیم‌بندی سه‌گانه کتاب مقدس عبری هستیم. آیا کسی می‌داند که در کجای عهد جدید به این تقسیم‌بندی سه‌گانه اشاره شده است؟ لوقا ۲۴ درباره آنچه در شریعت موسی، انبیا و مزامیر نوشته شده است صحبت می‌کند. مزامیر اولین کتاب در کتوویم یا نوشته‌ها هستند.

بنابراین، نوییم که در انگلیسی به معنای پیامبران است. و پیامبران دو بخش مختلف هستند. تحت عنوان پیامبران، نوییم، پیامبران پیشین را داریم.

حال، اگر از لری لمن معمولی، که قبلاً به او اشاره کردم، بخواهید کتاب‌های پیامبران پیشین را به من بدهد، احتمالاً اینطور فکر نمی‌کنید، اما یوشع، داوران ۱ و ۲ سموئیل، و پادشاهان ۱ و ۲ همان کتاب‌هایی هستند که پیامبران پیشین را تشکیل می‌دهند. حال، ما معمولاً آن کتاب‌ها را به عنوان پیامبران نمی‌شناسیم، اما آنها در ادبیات نبوی کتاب مقدس عبری یافت می‌شوند، و در حالی که طبق سنت یهود، این کتاب‌ها توسط افرادی که پیامبر بودند نوشته شده‌اند، اما پیشینه تاریخی را برای ما فراهم می‌کنند که بخش ب، یعنی پیامبران اخیر را با آن درک می‌کنیم. اگر می‌خواهید بدانید که در زمان اشعیا در اورشلیم چه می‌گذرد، می‌توانید پیشینه تاریخی نسبتاً خوبی از پادشاهان به دست آورید که درباره عزیا در زمان مرگش، آغاز خدمت اشعیا و حزقیا و غیره به شما می‌گوید.

اما انبیای متأخر شامل چهار کتاب بودند. در اینجا در انبیای متأخر چهار کتاب وجود داشت. یوشع داوران، اول و دوم سموئیل در ابتدا به عنوان یک کتاب و اول و دوم پادشاهان به عنوان یک کتاب در نظر گرفته می‌شدند.

بنابراین، در پایان، امروز، شما اشعیا، ارمیا حزقیال و سپس آنچه که دوازده اشعیا، ارمیا حزقیال و دوازده نفر نامیده می‌شود را دارید. وقتی تمام مطالب موجود در دوازده پیامبر کوچک را در نظر بگیرید، تقریباً به اندازه طولانی‌ترین پیامبر است. اکنون، اشعیا بیشترین فصل را دارد، اما در واقع، اشعیا طولانی‌ترین پیامبر نیست ارمیا، از نظر صفحات متن، طولانی‌ترین است، اما اگر همه پیامبران کوچک را در نظر بگیرید و آنها را کنار هم قرار دهید، جامعه یهود به آنها دوازده نفر می‌گوید، بنابراین تمرکز ما در این دوره بر روی پیامبران اخیر خواهد بود که در درجه اول در مورد اشعیا و دوازده نفر صحبت می‌کنند، اما من در ادامه به مطالب مربوط به بخش‌های دیگر آن خواهیم پرداخت. بسیار خوب، فکر می‌کنم وقت ما تمام شده است، بنابراین امروز به پایان می‌رسانیم و چهارشنبه مطالب بیشتری را ادامه خواهیم داد.